

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

گرامی یاد معلم عبد الرسول (بازنشر)

۲۹ جنوری ۲۰۲۰

به بهانه بزرگداشت از «رهبر» جانباز انقلابی

تا کنون، تاریخ واقعی سرزمین ما، تاریخ رنج ها و مصیبت های بیکران توده ها بوده است: تاریخ کشتار ها، تاریخ زندان ها و سیاه چال ها و به غل و زنجیر کشیدن ها و به دار آویختن ها؛ تاریخ ظالم و مظلوم، تاریخ ارتجاع و ترقی؛ تاریخ تجاوزات پیهم استعماری و مبارزات آزادیخواهی توده ها. این تاریخ از منظر اجتماعی؛ فقر و ثروت، تبعیض، ستم ملی، طبقاتی و جنسیتی را در خود نهفته داشته است.

تاریخ رسمی معاصر سرزمین ما، تاریخ سیر طبیعی تکامل زیربنائی و روبنائی نیست که باید توسط مردم و توده های زحمتکش آن ساخته می شد؛ بلکه تاریخی است که جبراً و قهراً توسط قدرت های ارتجاعی وقت، استعمارگران، بیگانگان متجاوز و در برهه های معینی دولت های مستعمراتی برای ما ساخته اند.

به ادامه مبارزات استقلال طلبانه و ضد استبدادی نسل های پیشین، روشنفکران میهن دوست، آزادیخواه و مترقی این سرزمین در گام نوین با الهام از دست نوشته های پاریس که برای انسان " تاریخ یک روند آگاه است؛ لذا چیزیست که آگاهانه خود را استعلاء می بخشد"، با اذعان به نقش توده ها در این روند رقم خوردن آگاهانه تاریخ واقعی ما، به مبارزات خویش آغاز کردند. این مبارزات از کانون های علمی و تحصیلی و تعلیمی شکل گرفته بود و به طرف توده ئی شدن می شتافت. اگر کودتای منحوس هفت ثور توسط حزب مزدور "خلق و پرچم" به وقوع نمی پیوست، جنبش ضد استعماری و انقلابی افغانستان با رسیدن به درک و شناخت دقیق تر از واقعیت های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ضمن پرداختن به وظائف مبرم؛ به سوی توده ئی و رادیکال شدن پیش می رفت.

کودتای هفت ثور و در پیآمد آن تجاوز عریان روسیه شوروی به بهانه کمک و حمایت "برادرانه" از "حزب دموکراتیک خلق"، افغانستان را ویران و آن را به کانون رقابت امپریالیستی مبدل کرد. این تقابل خونین دو بلاک امپریالیستی، در پایان شکست روس و جنگ سرد، افغانستان، منطقه و جهان را در کام اژدهای هار امپریالیسم امریکا و متحدان امپریالیست و مرتجع آن و افراطیون مذهبی فرو برد.

بازماندگان حزب منفور "خلق و پرچم" و سردمداران نوین دولت امپریالیستی روس با استفاده از بحران ها و تشنجات جهانی و منطقه ئی با هر تفسیر، تعبیر و توجیه از کودتای هفت ثور و تجاوز قشون اشغالگر روس، نمی توانند کشتار

های فردی و دسته جمعی، ویرانی دهات و قصبات، پیگرد ها و گرفتاری ها و شکنجه گری های غیرانسانی و اعدام های گسترده مردم مظلوم افغانستان را از حافظه تاریخی مردم این سرزمین حذف کنند.

در جبهه مخالف کودتای هفت ثور، احزاب مرتجع و مزدور اسلامی، شورا های اسلامی، تنظیم های جهادی در خدمت ارتجاع منطقه و کشور های استعماری غرب به خصوص امریکا، عین ماهیت مزدوری با رژیم کودتای ۷ ثور را داشتند. این مزدوران اسلامی، با همه توان و استعداد تخریبی، بی دریغ کشتند، سوختاندند، ویران کردند، نفاق و شقاق منطقه ای، مذهبی، زبانی و قومی و غیره را دامن زده و سرانجام در اشغال وطن و کشتار مردم شان و تداوم آن، همدست اشغالگران کشور و قاتلان هموطنان خود شدند. این ها اندام کارنامه های ارتجاع اسلامی خادم تجاوزگران غربی! افراد، گروه ها و محافل منسوب به «جریان دموکراتیک نوین»، تا قبل از کودتای هفت ثور در نهایت پراگندگی فکری و تشکیلاتی و مبارزات غیرمتشکل و آینده نگر سیاسی قرار داشتند. با چنین حالتی، منسوبان این جریان بهترین فرصت را برای ایجاد یک سازمان سیاسی متشکل و پیشرو که می توانست به گونه بالفعل در روند تحولات سیاسی - اجتماعی نقش ایثارگرانه پیشرو را اداء کند، از دست دادند.

ایجاد سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما) پس از کودتای هفت ثور در کارزار گرم جنگ های مسلحانه میهنی در کنار دیگر سازمان های مماثل، وظیفه ای بود نهایت عظیم و خطیر. "ساما" در نبود تجارب و تدارک و نبود امکانات مالی و تسلیحاتی و پشتوانه انقلابی قابل اطمینان بین المللی، در میان دو اردوگاه امپریالیستی جهانی و ارتجاع حاکم و محکوم بومی و منطقه ای؛ با احساس میهنی و اراده آزادیخواهانه به ضد متجاوزان در جنگی اشتراک ورزید که بی نهایت دشوار، فرسایشی و کشنده بود. از این رو اشغالگران روسی و مزدوران شان از یک سو و امپریالیست های غربی با ارتجاع فئودالی بومی و ارتجاع منطقه، "ساما" و سازمان های مماثل آن را آماج بیشترین ضربات مرگبار خود قرار دادند.

این سازمان ها که بیشترین آن ها را روشنفکران و قشر تحصیل یافته تشکیل می داد، با همه ناگزیری ها و ناتوانی های مالی و تسلیحاتی، عدم قوام تشکیلاتی و فکری؛ در کنار مردم برای آزادی رزمیدن را رسالت ملی، میهنی و آرمانی خود می دانستند. با آن که در کم ترین مدت بیش ترین تلفات در سطح رهبری و کادر های فعال شان را متقبل شدند، ولی سلاح رزم شان را بر زمین نگذاشتند.

در پهلوی فقدان تجارب گذشته و شرایط ناگوار و نامتناسب ملی و بین المللی برای بالندگی جنبش انقلابی کشور، نمی توان اشتباهات و خطا های شان را در عرصه های مختلف نادیده گرفت؛ چون تاریخ نسبت به عملکرد های مان بی رحمانه قضاوت می کند. این سازمان ها با داشتن حداقل مشترکات فکری - سیاسی، افزون بر این که در راه اتحاد واقعی اقدام عملی نکردند، روز تا روز به گروه ها، محافل و حلقه های کوچک و کوچک تر تجزیه شدند. در نتیجه سلیقه های شخصی، خود خواهی ها، خودمرکز بینی ها، گذشته گرایی ها، فردگرایی ها، گروهی گری و تعصبات گروهی و... بر افکار و روش و منش تعدادی از سران و فعالان گروه های این جنبش مسلط گردید.

در جو پس از تجاوز و اشغال نظامی بلاک امپریالیستی تحت رهبری امریکا به افغانستان و نصب دولت مستعمراتی، که زمینه برای شکل دهی یک نهاد بزرگ ملی - پیشرو با موضعگیری سالم سیاسی در محور آزادی ملی میسر گردیده بود، بخش ها و افرادی از این سازمان ها و گروه ها در سازش و معاملات پنهانی و یا آشکار خودفروبیانه به انحراف و بالاخره به اضمحلال تسلیم طلبانه ملی کشیده شدند. این منحرفان تسلیم طلب "چپ" از موضع بورژواکمپرادوری ضمن گله از بخش های "بنیادگرا"ی اخوانی دولت مستعمراتی، از موضعگیری ضد تجاوز علیه امپریالیست های مرتجع

پرور امریکا - ناتو که عامل اشغال، تشنج، خشونت، کشتار و بحران های گسترده در افغانستان، منطقه و جهان اند، طفره رفته اند.

این منحرفان و انقیاد طلبان رنگارنگ حزب ساز و "ان جی او" باز چپ نما، در نقش مشاطه گران استعمار، به جای مقاومت در برابر تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها، خودفروشانه در مقابل تحایف ناچیزی در خدمت تجاوزگران به کشور خود قرار گرفتند. برخی از این قماش خودفروخته ها، حین خدمت بی ریا به اشغالگران کشور، گاهگاهی برای اغوای خلق الله و خاک به چشم بی خبران افغان و غیرافغان زدن، در سٹیژ های دور از کنترول اخوان و باداران خود، و یا در صفحات مجازی، با چپ نمائی مضحک و بدقواره، شعار های ظاهری ضد اشغالگران، ضد "بنیادگرایی" و شعار "جنگ خلق" را سر می دهند، جنگی که هیچ گاه آن را آغاز نکردند.

امسال در هفتم دلو که روز جاودانه شدن زنده یاد "قیوم رهبر" است، ما خود را اندوهناک تر از پیش احساس می کنیم؛ زیرا جای "رهبر" و همه رهبران فرزانه، متعهد و صادق جنبش ملی، مترقی و انقلابی که به گونه های مختلف به شهادت رسیده اند، خالیست. در اثر فقدان این رهبران فرهیخته و استوار حاضر در میدان، جنبش از بحران تشکیلاتی و فکری - سیاسی سخت رنج می برد. رهبرانی که استعداد، توانائی و شکیبائی پیشبرد گفتن های حاد سیاسی و ایدئولوژیک را در سطوح و مدارج مختلف احیاء و نوآوری های تشکیلاتی همراه با مهارت های لازم سازماندهی و دیگر تدابیر مورد نیاز را داشتند.

"رهبر" با همه استعداد های علمی، مسلکی و دانش وسیع تاریخی، سیاسی، تئوریک و ادبی اش؛ شناخت دقیقی از سیر تکاملی جنبش های ملی، منطقه ای و جهانی نیز داشت. او به دور از همه خودخواهی و خصلت های روشنفکرانه، پس از کشته شدن هیأت رهبری، پراگندگی بزرگ تشکیلاتی، شکست و ریخت های غیرقابل تصور در جبهات جنگ، خیانت ها، سازش ها و ده ها توطئه و تفتین و از همه مهم تر نفوذ افکار لیبرالیستی و تسلیم طلبانه بر آن بستر فکری؛ رهبری سازمان را به دوش گرفت. این کار سهل و آسان نبود. او با وصف دوری از وطن، کمبود رفقای آگاه و متعهد سیاسی - تئوریک، دلمردگی و دلسردی، بهانه جوئی های بعضی از کادر ها و حتا فرار رفقای فعال از عرصه مبارزاتی، توانست با خرد و درایت و شکیبائی به دو باره سازی سازمان بپردازد و این گردان انقلابی را برای سال ها در سٹیژ ضد استعماری مدبرانه رهبری کند.

ما امروز در بیست و هفتمین سالگرد جاودانه شدن این خردمند مبارز در میان یک پراکندگی بزرگ تشکیلاتی، سیاسی و اغتشاش آفرینی ایدئولوژیک منحرفان از راه و عوامل استعمار، به عظمت و نقش سازنده و مؤثر او در "ساما" و جنبش انقلابی پی می بریم.

"ساما" افزون بر تجدید میثاق و تعهد به راه و رسم مبارزاتی این فرزندگان و پیشمرگان جنبش انقلابی افغانستان، باید برای وحدت سرتاسری جنبش و استحکام آن مطابق به شرایط و اوضاع کنونی بیشترین تلاش را نماید. با حضور فعال و گسترده سیاسی می تواند، برای تغییر بنیادی و مؤثر در تعاملات سیاسی به نفع مردم کار کند. باید با تأکید انصراف ناپذیر بر اصولیت های مطروحه، باب مذاکره و مباحثه با همه نیرو های ملی - مترقی و به خصوص با حلقات و افراد دور افتاده، ولی نیالوده "ساما" باز شود. با توجه به شرایط ابتر کشور اشغال شده ما و اوضاع تبادر سیاسی ملی و بین المللی؛ شکل گیری و آرایش نو اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی در منطقه و جهان؛ "ساما" و سائر نیرو های سالم ملی، دموکرات و انقلابی باید با گسترش و انسجام بیشتر و بهتر تشکیلاتی؛ به امروزیین ساختن برنامه و روش های نو مبارزاتی در سطوح مختلف و در راستای همسوئی و نزدیکی لازم، مبادرت ورزند.

یاد "رهبر" و همه جانبازان و جانباختگان جنبش ملی، مترقی و انقلابی که در راه رهایی از ستم امپریالیستی و ستم طبقاتی رزمیده اند؛ گرمی و راه شان پر از رهروان صدیق، سالم و استوار باد!

۲۹ جنوری ۲۰۱۷م